

احکام شریعت

مطابق با فتاوی

حضرت آیت الله العظمی سید محمد حسین فضل الله

فضل الله، محمدحسین، ۱۹۳۵ - م.
Fadl Allah, Muhammad Hussayn

احکام شریعت / مطابق فتاوی محمدحسین فضل الله /
مترجم گروه مترجمان
سفیر دانش، ۱۳۸۳.

۷۱۹ ص.

ISBN 964-95325-2-8

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیما .
عنوان اصلی: احکام الشریعه: العبادات و
المعاملات.

۱. فقه جعفری -- رساله عملیه. الف. انتشارات
سفیر دانش. ب. عنوان.

۲۹۷/۳۴۲۲

BP1۸۳/۹/۳۰۴۱ الف

۱۳۸۳

۸۳-۳۰۷۳۵م

کتابخانه ملی ایران

● نام کتاب: احکام شریعت

● نویسنده: آیت الله العظمی سید محمد حسین فضل الله

● مترجم: گروه مترجمان

● ناشر: سفیر دانش

● محل نشر: تهران

● چاپ و صحافی: نقش گستر

● ناظر فنی چاپ و صحافی: سلیمان اسماعیلی

● سال نشر: ۱۳۸۳

● نوبت چاپ: اول

● شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

● قیمت: ۲۰۰۰ تومان

نشانی اینترنتی: www.bayynat.org

صندوق پستی: قم، ۳۷۱۸۵-۳۴۶۶

مقدمه کتاب «احکام شریعت»

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام بر بندگان برگزیده خدا

پس از چاپ رساله علمیه مفصل سه جلدی فقه الشریعه که حاوی فتاوی مرجع عالیقدر شیعه حضرت آیت الله العظمی سید محمد حسین فضل الله بود و به تأیید حضرت ایشان رسیده بود، به رغم آن که آن رساله به گونه‌ای تنظیم شده است که پاسخگوی نیازهای گوناگون مکلفان است و برای فهم آسان‌تر مسایل از روش خاصی آمیخته با مثال‌های مناسب بهره‌ور بوده است، اما بسیاری از مقلدان ایشان درخواست رساله‌ای مختصرتر و قابل حمل‌تر نمودند. از سوی دیگر در حوزه‌های علمیه معمول است که در سال‌های نخست رساله عملیه تدریس می‌شود و رساله‌ای مختصر که حاوی تمام احکام شرعی باشد برای تدریس نیز مناسب‌تر است. از این رو دفتر استفتای معظم له تصمیم گرفت تا آن سه جلد را در یک جلد خلاصه و منتشر کند. اکنون از خدای بزرگ سپاسگزاریم که به ما توفیق این کار را عطا فرمود.

چاپ ترجمه فارسی این رساله نیز در اجابت درخواست بسیاری از شیعیان فارسی زبان انجام می‌شود. خداوند متعال همگان را در عمل به احکام شرعی و تخلق به اخلاق اسلامی موفق گرداند.

دفتر حضرت آیت الله العظمی فضل الله

مقدمه: راه‌های شناخت شریعت

انسان مسلمان زمانی که به سن بلوغ رسید، مسئول و مکلف به تمام تکالیف شرعی است. سن بلوغ در پسر، یکی از سه چیز است: ۱- تمام شدن پانزده سال قمری (چهارده سال و ۷ ماه میلادی)، ۲- رویدن موی زیر و درشت زیرشکم و بالای عورت، ۳- بیرون آمدن منی در خواب یا بیداری. اما برای دختر، احتیاط واجب آن است که با تمام شدن نه سال قمری (۸ سال و نه ماه شمسی) بالغ می‌شود.

راه شناخت احکام دینی، به غیر از احکام ضروری که انسان نسبت به آنها یقین پیدا کرده است، منحصر در سه چیز است.

(۱) اجتهاد

(۲) تقلید

(۳) احتیاط، یعنی در مواردی که چند احتمال وجود دارد، با انجام هر آنچه احتمال می‌رود بر ذمه مکلف باشد، یقین کند تکلیف خود را انجام داده است. توضیح هریک از موارد فوق در سه گفتار می‌آید.

گفتار اول: اجتهاد

م - ۱: در اصطلاح فقهی، اجتهاد عبارت است از: «تلاش در به دست آوردن احکام شرعی از منابع معتبر» و این در صورتی است که یک عالم دینی آن مقدار از علوم را که در ارتباط با احکام شرعی است و به او توان استخراج احکام می‌دهد، کسب کرده و به آنها آگاهی یابد.

م - ۲: اجتهاد، واجب کفایی است، به این معنی که بر هر فرد مسلمانی واجب است که اجتهاد کند، اما در صورتی که دیگری به این کار همت گمارد و نیاز مردم برطرف شود، تکلیف از دیگران ساقط می‌شود.

م - ۳: مجتهد بر دو گونه است. مطلق و متجزی. مجتهد مطلق کسی است که شرایط زمانی و مکانی، این امکان را برای او ایجاد کرده، که احکام مورد نیاز را از منابع معتبر استنباط کند. اما متجزی، مجتهدی است که این شرایط، چنین فرصتی را برای او ایجاد نکرده است. بنابراین، ملکه استنباط و توان آن، تجزیه‌پذیر نیست، بلکه این شرایط بیرونی و خارجی است که میدان اجتهاد را مطلق و یا متجزی می‌کند.

م - ۴: «مجتهد» و «اعلم» را از سه راه می‌توان شناخت:

اول: شناخت مستقیم از مجتهد یا اعلم توسط کسی که خودش کارشناس است و قدرت تشخیص این موضوع را دارد اگرچه خودش مجتهد نباشد، و این شناخت موجب یقین و یا اطمینان می‌گردد.

دوم: شهرت اجتهاد میان مردم و یا حوزه‌های علمیه به گونه‌ای که موجب یقین و یا اطمینان به اجتهاد و یا اعلم بودن وی گردد.

سوم: گواهی دو عالم خبره و عادل و یا یک عالم خبره و عادل و یا حتی یک عالم خبره و قابل وثوق.

منظور از خبره، کسی است که حداقل آن مقدار از معلومات مربوط به فقه و اصول را دارا باشد که بتواند مجتهد را از غیرمجتهد تشخیص دهد.

م - ۵: اگر اهل خبره با یکدیگر اختلاف نظر داشته باشند، مکلف باید نظر کسانی را که آگاهی بیشتری دارند انتخاب کند، و در صورتی که از نظر آگاهی با هم مساوی هستند، و یا نمی‌داند که تفاوت دارند یا خیر، باید شخصی را که افراد بیشتری به اجتهاد او گواهی می‌دهند، انتخاب کند، و اگر از نظر سطح آگاهی و تعداد

افراد، هر دو طرف گواهی با هم مساوی هستند، شهادت هر دو طرف ساقط می‌شود.

م - ۶: مجتهد دو وظیفه دارد:

اول: «فتوی» دادن که در اصطلاح به چنین شخصی «مرجع» می‌گویند.
دوم: حکم کردن و حل و فصل کردن مسایل مردم که در مقام قضاوت و یا سرپرستی امور حسیه مانند اوقاف و اشخاص صغیر انجام می‌شود. و در صورتی که به مقام حکومت و ولایت عامه برسد، مسئول مسایل کلی و عمومی امت است، که به چنین شخصی، «حاکم شرعی» و یا «ولی فقیه» گفته می‌شود.

م - ۷: مرجع تقلید باید شرایط زیر را دارا باشد:

بالغ، عاقل، مرد، حلال‌زاده، شیعه دوازده امامی و عادل باشد.
منظور از «عدالت» پایبندی به اطاعت از دستورات خداوند است، و اگر مرتکب گناه شود، از عدالت خارج می‌شود و در صورتی که توبه کند و دیگر مرتکب گناه نشود، بار دیگر عدالت او بازمی‌گردد. همچنین مجتهد نباید بیش از حد معمول نسبت به مسایلی که در ارتباط با استنباط احکام شرعی است، فراموشی داشته باشد، و شرط هشتم آن که مجتهد باید سالیان زیادی را در تدریس فقه و اصول و تحقیق پیرامون آنها صرف کرده باشد، به گونه‌ای که دارای پختگی لازم در استنباط مسایل فقهی باشد. البته بعضی از شرط‌های اول تا پنجم، بنابر احتیاط میباشند.

م - ۸: بنابر احتیاط واجب تقلید ابتدایی از مجتهدی که از دنیا رفته است جایز نیست. اما

هرگاه مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند از دنیا برود، مخیر است که بر تقلید از او باقی باشد و یا این که به مجتهد زنده مراجعه کند، خواه در همه مسایل شرعی و یا در بعضی از آنها.

م - ۹: مجتهدی که مکلف می‌خواهد از او تقلید کند، لازم نیست که اعلم باشد، لذا تقلید از غیراعلم جایز است، اگرچه اعلم وجود داشته باشد. البته بهتر است که در صورت وجود اعلم، از وی تقلید نماید.

م - ۱۰: «اعلم» کسی است که به سبب توانایی و تخصص بیشتر در فهم قرآن و روایات، و استفاده حکم از آنها به روش معمول در زبان عرب نسبت به دیگر مجتهد، از توانایی بیشتری در استنباط احکام دینی برخوردار باشد. همچنین در مقایسه با دیگر مجتهدان، از دقت بیشتری در فهم اصول فقه و کاربرد آن برخوردار باشد و در استنباط احکام و موضوعات اسلامی در شناخت روح اسلام، از فهم نیکوتری بهره‌مند باشد.

م - ۱۱: ولی فقیه باید همه شرایطی را که درباره مرجع تقلید گفتیم، به غیر از شرط «اعلم بودن» (که یقیناً لازم نیست) دارا باشد. اما کسی که رهبری عامه را به عهده می‌گیرد، باید مجتهد مطلق باشد. همچنین ولی فقیه باید از شجاعت معنوی و روحی لازم که او را به شهامت و پایداری بر مواضع استوار می‌سازد، برخوردار باشد. از طرفی ولی فقیه باید به گونه‌ای زمان و عصر خویش را بشناسد که به وی در اجرای سیاستی حکیمانه و مدیریتی معقول کمک رساند.

م - ۱۲: هرگاه «فقیه» عهده‌دار رهبری عامه شود، بر امور عامه مردم، ولایت خواهد داشت. امور عامه عبارتند از: اموری که به کلیت نظام برمی‌گردد و عامل تعادل حیات مسلمانان و دیگران و حافظ مصالح سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و مانند اینها می‌شود و موجب استواری نظام زندگی آنان به عنوان یک جامعه، می‌گردد.

م - ۱۳: هرگاه «ولی فقیه» دستوری دهد، واجب است که از آن پیروی شود و جایز نیست که در چارچوب اموری که در تحت ولایت او می‌باشند، تمرد شود. همچنین در صورتی که دستور ولی فقیه با اعتقاد شخص، مخالف باشد، خواه آن شخص

مجتهد باشد یا مقلد، باید از ولی فقیه پیروی کند، مثل آن که ولی فقیه دستور به پرداخت خمس و یا زکات برای مصرف خاصی و به روش معینی دهد.

م - ۱۴: کسی که از روی اجتهاد و یا تقلید، اطاعت از ولی فقیه را، واجب نمی‌داند جایز نیست که آشکارا با نظر ولی فقیه به مخالفت برخیزد، به گونه‌ای که موجب آشفتگی نظام گردد.

م - ۱۵: مانعی ندارد که هر کشور اسلامی، ولی فقیه جداگانه‌ای داشته باشد، مگر آن که تعدد ولی فقیه، عامل ضرر رساندن به کلیت نظام مسلمین و یا بخش‌هایی از آن شود، که در این صورت، واجب است تا هنگام رفع ضرورت، همه مسلمانان تحت ولایت یک ولی فقیه درآیند تا به این وسیله، وحدت آنان مصون بماند و امت اسلامی حفظ گردد.

م - ۱۶: واجب است که ولی فقیه با اهل فن و کارشناسان، مشورت نماید، اگرچه در مسئله‌ای که می‌خواهد نظر دهد، تا حدی آشنا و خبره باشد و بعد از مشورت، می‌تواند «حکم» صادر کند. این مشورت را از طریق سیستم خاصی که بر آن توافق شده است، باید انجام دهد.

م - ۱۷: اگر کسی در موردی به طور یقین بداند که ولی فقیه خطا می‌کند، واجب نیست از او اطاعت کند، مگر آن که آن مورد، مربوط به کلیت نظام باشد.

م - ۱۸: جایز نیست برای دادخواهی و قضاوت، به کسی که شرایط لازم برای قضاوت را ندارد، مراجعه شود و چیزی که براساس حکم او گرفته شود حرام است، اگرچه «حق» او باشد. مگر آن که برای گرفتن حق، چاره‌ای جز مراجعه به چنین کسی نباشد. در این حال، اگر موضوع دادخواهی و قضاوت، مال مشخصی باشد که در خارج وجود دارد، مثل «خانه»؛ جایز است بدون مراجعه به حاکم شرع، آن را بگیرد ولی اگر به چیزی که در ذمه است حکم کند، واجب است به حاکم شرع رجوع کند و از او اجازه بگیرد.

گفتار دوم: تقلید

م - ۱۹: همین مقدار که انسان تصمیم بگیرد به مجتهدی رجوع کرده و به هنگام نیاز از او تقلید نماید، مقلّد می‌شود، اگرچه هنوز به نظر او عمل نکرده باشد.

م - ۲۰: اگر کسی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، اعمال او باطل است، مگر در صورتی که دو شرط زیر تحقیق یابد:

اول: اعمالی را که انجام داده مطابق فتوای مجتهدی بوده باشد که واجب است اکنون از او تقلید نماید.

دوم: عبادت‌هایی را که باید با قصد قربت انجام دهد، با قصد قربت انجام داده باشد.

م - ۲۱: جایز است مقلّد در مسایل مختلف فقهی از چندین مجتهد تقلید کند، اما زمانی که در یک مسأله از یک مجتهد به مجتهد دیگری عدول کرد در صورتی که بازگشت وی به نظر مجتهد اول یا مجتهد دیگر، مستلزم مخالفت قطعی با حکم شرعی باشد، چنین بازگشتی جایز نیست. برای مثال، نخست از مجتهدی تقلید می‌کرد که فتوی به شکسته بودن نماز در وطن دوم می‌داد. سپس به مجتهد دومی عدول می‌کند که فتوا به تمام بودن نماز در وطن دوم می‌دهد. در این صورت جایز نیست بار دیگر به مجتهد اول یا مجتهد سومی که فتوای او مانند فتوای مجتهد اول می‌باشد، عدول کند زیرا در این حالت، به طور یقین می‌داند که یکی از دو نماز واقعاً باطل می‌باشد.

م - ۲۲: هرگاه کسی قبل از بلوغ، از مجتهدی تقلید کند، بعد از بالغ شدن می‌تواند به تقلید از وی ادامه دهد، البته در صورتی که آن مجتهد هنوز جامع شرایط باشد.

م - ۲۳: اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند از دنیا برود، باید از مجتهد زنده دیگر تقلید نماید. اگر مجتهد زنده باقی‌ماندن بر تقلید از مجتهد میت را به هر

مقدار اجازه می‌دهد، می‌تواند در همان حد به تقلید از میت ادامه دهد.

م - ۲۴: تقلید فقط در فتوای مربوط به احکام شرعی است، لذا در مورد «موضوعات» مخالفت با مرجع تقلید اشکال ندارد.

گفتار سوم: احتیاط

م - ۲۵: مکلف می‌تواند عمل به «احتیاط» کند، خواه مستلزم تکرار عمل باشد مثل بین شکسته و تمام خواندن نماز، و یا مستلزم تکرار نباشد، مثل موردی که مردّد بین مباح و واجب و یا مباح و حرام باشد. اما اگر مردّد بین واجب و حرام باشد، در این صورت ممکن نیست که به «احتیاط» عمل کند، و در این جالازم است که با اجتهاد و یا با تقلید، تکلیف خود را معین کند.

م - ۲۶: در این رساله بعضی از اصطلاحات آمده، که باید توضیح داده شود.

۱- «احتیاط واجب» یعنی مقلد می‌تواند از آن پیروی کند و یا به مجتهد دیگری رجوع کند.

۲- «بهتر» که منظور همان «احتیاط مستحب» است، و مقصود از آن، موردی است که عمل به آن مطلوب است ولی لازم نیست.

۳- اولی (شایسته‌تر) که منظور همان «افضل» می‌باشد.